



رنگ های اصلی

هر اثری الزاما متشکل از کیفیات چهارگانه (آتشی، هوایی، آبی و خاکی) است و هر یک از این کیفیات دارای اقتضا و استعداد خاصی است، به طوری که نور مبدأ به اقتضاء هر کدام که ظاهر شود به رنگ خاصی جلوه میکند.

اقتضاء کیفیت آتشی (گرم و خشک) رنگ قرمز است، چرا که قرمز بالاترین حد لطافت را در رنگ های مرئی دارا بوده و کمترین شکست را نسبت به دیگر رنگ ها دارد و به این سبب است که به امواج نامرئی ما قبل آن در فیزیک امروزی مادون قرمز میگویند. و همچنین مناسبت دیگری که با کیفیت آتش دارد گرم بودن آن است که در علم رنگ شناسی مطلبی بدیهی بوده و نیاز به توضیح ندارد.

اقتضاء کیفیت هوایی (گرم و تر) رنگ زرد است که ما بین قرمز و سفید قرار دارد، و این جایگاه در رنگین کمان به خوبی قابل مشاهده است.

اقتضاء کیفیت آبی (سرد و تر) سفید است. سفید نیز رنگ لطیفی است که به علت سردی و برودتش میل به بالا نمیکند (زردی که میل به قرمزی نداشته باشد) و به همین سبب رنگ آب نیز سفید است و فقط در صورت تراکم دیده شده و با شدت گرفتن تراکم و حجم آن، به رنگ آبی جلوه میکند (رنگ آبی برزخی ما بین سفید و سیاه است)، همانطور که دریا ها را به رنگ آبی میبینیم.

اقتضاء کیفیت خاکی (سرد و خشک) سیاه است و لطافتی نداشته بلکه حاجب سایر انوار است.

این چهار رنگ، رنگ های اصلی است که از ترکیب آنها رنگ های دیگر ایجاد میشود، همانطور که از

ترکیب عناصر اربعه اجسام مختلف ایجاد میشوند.

حال اگر این ترکیب به نحو اعتدال باشد رنگ ثالثی ایجاد خواهد شد که برزخ ما بین رنگ های مورد ترکیب است (مانند نارنجی، سبز بنفش و غیره...) اما اگر به اعتدال نبوده و یک جهت غلبه داشته باشد، رنگ حاصله در ذیل رنگ غالب شمرده خواهد شد (مانند سبز زیتونی یا آبی فیروزه ای یا زرد لیمویی و غیره...)

در این مورد مطالب زیادی قابل بحث است که ان شاءالله به هفته های آینده موکول میکنیم.